پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۱۵ – ۱۰۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۵

# مولفه‌ها و ارکان ناسیونالیسم در دوره محمدرضاشاه

الهه زنجانیه[۱]
معصومه قره داغی[۲]
منوچهر صمدی وند[۳]
رضا نصیری حامد[٤]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳



## چکیده

ناسیونالیسم دولتی درزمان محمدرضاشاه نیازبه اقدامات سیاسی وفرهنگی داشت.سوال اصلی این تحقیق عبارت ازاین که مولفه های ناسیونالیسم درزمان محمدرضاشاه چه بودند؟ روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. نتایج ویافته های تحقیق نشان می دهدکه تاکید بر روی مؤلفه هایی چون تصویرسازی شاهانه از عقل کل شاه، ترویج حس میهن پرستی ووطن دوستی، تقویت و القاء آموزه های باستانی، اشاعه زبان و ادبیات فارسی، زنده نگهداشتن موسیقی باستانی ایران، تقویت وحدت ملی، بزرگ نمایی از اقدامات شاه، تقویت هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی، راهرویی بین شاه و مردم برای تقویت و تداوم حکومت محمدرضاشاه ایجاد نموده بودند.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، مولفه ها، ناسیونالیسم، محمدرضاشاه، هویت ملی

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شبستر، شبستر، ایران eli.zanjaniye7@yahoo.com
۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحدشبستر، شبستر،ایران (نویسنده مسئول) Masomehgaradagi90@gmail.com
۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاداسلامی، واحدتبریز، تبریز، ایران samadivand@iaut.ac.ir
٤. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران r.nasirihamed@tabrizu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

## مقدمه

در ساختار سیاسی دوره محمدرضاشاه اصطلاحاتی چون إحساس ملی گرایی، ناسیونالیسم، میهن پرستی زمانی کاربرد داشت که بتواند زمینه را برای بازتولید اطاعت در درون نهادهای اجتماعی برای ضمانت اجرایی سلطه وسرسپردگی فراهم کند . این شرایط تحت تاثیر نظام اطاعت جامعه به صورت مستقیم در معرض معطوف به قدرت حکمران قرار دارد. ناسیونالیسم شکلی از فرهنگ عمومی و نماد سیاسی و فرهنگ توده ای سیاسی شده ای است که می کوشد مردم را برای عشق به ملیت، رعایت قانون و دفاع از کشور بسیج کند. جنبه نوآوری این تحقیق دراین است که ناسیونالیسم دوره محمدرضاشاه همانند دوره پدرش بومی نبود وورداتی بودوبه همین دلیل موفقیت چندانی نداشت چون بادیکتاتوری نظامی محمدرضاشاه درایران بدون توجه به سکونت اقوام مختلف وبا به چالش کشیدن مسائل قومیتی اجرا گردید.

## تعریف ناسیونالیسم

ناسیونالیسم در فارسی ملی گرایی ترجمه می شود. مترادف هایی نظیر میهن پرستی و وطن پرستی را نیز می توان برای این مفهوم در نظر گرفت؛ هرچند ملی گرایی ریشه در واژه ملت دارد و هر دو مفهوم ملت یا ملی از واژگان نوظهور معاصرند که از اندیشه و تاریخ سیاسی اروپا نشأت گرفته اند.(الهی تبار والویری،۱۳۹۵: ۳۵)ناسیونالیسم ایرانی می بایست به عنوان هویتی فراگیر، برفراز همه هویت های مادون ملی گسترش یابد. ناسیونالیسم در منطقه خاورمیانه مهم ترین جهت گیری سیاسی برای تغییر اجتماعی تلقی شده و مسئله ناسیونالیست ها وحدت مبتنی بر قدرت و صورت بندی هویت، همبستگی که تحت تاثیر شرایط سیاسی- اجتماعی باشد. ناسیونالیسم یعنی عامل شکل دهنده ملیت و همزیستی گروهی ویژه در سرزمین واحد که منافع مشترکی برای خود در نظر دارند و ویژگی هایی چون حس وابستگی و وفاداری به خاک وکشور و سرنوشت مشترك .(الهی تبار والویری،۱۳۹۵: ۳۵).

## سابقه ناسیونالیسم درایران

درنهادهای نوین آموزشی چون دارالفنون، مدرسهٔ سیاسی، انجمن معارف و مدرسهٔ علوم سیاسی تاثیر عمیقی درجامعه داشتند. (صفت گل،۱۳۸۷: ۱۷-۲۳) ریچاردکاتم معتقداست که بیشتر مردم ایران، با مفهوم مدرن ناسیونالیسم، بیگانه و یا به عبارتی مخالف بوده اند زیرا وجوه اصلی این فرآیند ناسیونالیستی شامل آسیب پذیری این جریان در برابر غرب، به طوری که سبب شدحقایق موجود

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

اجتماعی، فـدای تقلید گرایی شود.نبود پایگـاه مردمی و مبانی فکری و ایـدئولوژی، باعث انزوای مردم و عـدول از اصول فکری مورد قبول آنان شد.مخالفت علیه رهبریت دینی و برهم زدن وحدت اجتماعی و تمسک به نظریه جدایی دین ازسیاست. (کاتم،۱۳۹۹: ۷۶)حسین بشیریه ناسیونالیسم دوره پهلوی را داخل در حوزه وسیع تری به نام مدرنیسم مورد بحث قرارمی دهد .(بشیریه،۱۳۸۳: ۱۲۱)

محمدعلی فروغی یکی از نویسندگان متون آموزشی، مؤثرترین راه هویت بخشی به کشور را نگارش و آموزش تاریخ برمی شمرد. دراثارآین دوره چون عباس اقبال آشتیانی ورشیدیاسمی به آیین زرتشت و نژاد آریایی ایرانیان تاکید می شد.«سرپیچی از اطاعت شاهنشاه، گناهی بزرگ و نتیجهٔ فرمانبرداری از دیوان و بی دینی و تباهی خرد» بوده است . در این روایت، مقام سلطنت به صورت مقامی «مقدس و فوق مقامات مادی و دنیوی و همراه با یك نوع رسالت الهی برای حفظ سرزمین ایران و حراست و نگهبانی ساکنان آن پنداشته می شد. برخی از مورخین پا را از این هم فراتر گذاشته و با توجیهاتی اطاعت از پادشاه را شرعاً لازم می دانستند . ایدئولوژی هم ازدیگر مولفه های ناسیونالیسم است[1] که حدود دویست سال پیش، توسط دستوت دوتراسی فرانسوی، برای نامیدن علمی جدید، علم عقاید، که خود در پی بنیان آن بود، به کار رفت. ایدئولوژی از نظر ساخت لغوی واژه‌ای است مرکب از دو جزء ایده و لوژی که ایده به معنی اندیشه، تصور، عقیده، نظر، آگاهی و... آمده است و لوژی که به صورت پسوند امروزه معمولاً به معنی دانش و شناسایی به کار می‌رود و معرف علم است مانند سوسیولوژی (جامعه شناسی) پسیکولوژی (روانشناسی) و...است. ایدئولوژی از نظر ساختمان لغوی مرادف با دانش و شناخت عقیده یا بطور خلاصه عقیده شناسی است. (همان، ۹۲) ناپلئون همین اصطلاح را به منظور تحقیر دوتراسی و دوستانش که با او سر مخالفت داشتند به کار برد و آنان را به متافیزیسین هایی مغشوش تشبیه کرد. مارکس ایدئولوژی را به دوربینی تشبیه کرد که جهان و واقعیت ها را وارونه نشان می دهد و آن را از روبناهایی دانست که برای توجیه حکومت طبقه مسلط، به آگاهی کاذب کار می رود. انگلس، دوست و هم فکر مارکس، از این واژه استفاده کرد. اما در خود مارکسیسم نیز این واژه دچار تغییر معنایی شد. لنین سوسیالیسم را ایدئولوژی ای به حساب آورد که در برابر ایدئولوژی بورژوایی قرار دارد. لوکاچ سوسیالیسم را ایدئولوژی علمی دانست و چند تعبیر دیگر از ایدئولوژی به وجود آمد.( همان،۹۳) به هر حال ایدئولوژی به تعبیری بدل شد که گروه ها و احزاب از آن در اکثر موارد برای تحقیر مخالفان خود استفاده می کردند و ایدئولوژی معنایی منفی یافت. اما آن معنایی که از ایدئولوژی در این جا مد نظر است نظامی از مفاهیم که بر ذهن و تفکر فرد

1. ideology

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

حاکم می شود و در قضاوت ها و نگرش های وی نقش اصلی را ایفا می کند. به طوری که شخص، وقایع، پدیده ها، حال و گذشته و آینده و به طورکلی جهان و آن‌چه را در بیرون از خود است از دریچه آنها می‌نگرد و در کل، جهان بینی او را تشکیل می دهد. (بوشه،۱۳۸۵: ۶۲۷) در نگاه ایدئولوژیك، تحت تأثیر حضور ملموس یا ناملموس عناصر سلطه فرد تفسیری از واقعیات و پدیده‌ها را که با نگاه او سازگار باشد به مثابه حقیقت تلقی می کند. این وضعیت فرد را چنان در حالتی از جزم گرایی قرار می دهد که گاهی به طور آگاهانه یا ناخودآگاه از قبول واقعیات سر باز می زند و یا آن ها را به گونه ای تفسیر می کند که با نگاهش مطابق باشد. (همان)گرچه در نیمه های سده بیستم، عده ای نوای پایان ایدئولوژی ها را سر دادند و اعلام کردند که ایدئولوژی به پایان راه رسیده است و همین نظریه یك بار دیگر به هنگام فروپاشی شوروی مطرح شد، ایدئولوژی ها هم چنان به عمر خود ادامه می دهند و شاید نتوان روزی را تصور کرد که در آن سراغی از ایدئولوژی ها نباشد. البته این شعار در آن زمان خود نوعی ایدئولوژی بود.(وینسنت،۱۳۸۹: ۲۸) این ایده در آن زمان محصول راست سیاسی بود و ایدئولوژی آن. هر گونه تصور از پایان ایدئولوژی را باید صورت بندی دوباره‌ای از یك آرمانشهر دانست.(پیرانسار،۱۳۸۱: ۲۸) از پیش فرض های ارزشی تا مواضع ایدئولوژیك اکثر افراد یك جامعه در انگاره هایی محصور هستند که یا از طریق جامعه و محیط زندگی بر آن ها تحمیل و تلقین شده و یا از طریق قدرت . (خسروی،۱۳۸۳: ۲۵۴)در نتیجه چنین فضایی آن ها چنان در بند احکام پیشینی و انگاره های مبتنی بر آن گرفتارند که حتی تردید در آن را نیز روا نمی دارند و هر گونه تردید را به مثابه انحراف از حقیقت می دانند . (بوشه،۱۳۸۵: ۴۵۶)در عرصه علوم مربوط به تاریخ و جامعه هم به علت نقش تعیین کننده پیش فرض های برخاسته از انگاره هایی که محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی یك جامعه است، درك عینی و صریح امری به اسم، کل حقیقت غیرممکن می گردد . (اتکینسون،۱۳۷۸: ۳۳) ناسیونالیسم ایرانی از میراث فرهنگی ایران باستان و ادبیات فارسی ستایش و بر ریشهٔ آریایی تأکید می کرد. بخش اسلامی تاریخ و تجربه تاریخی ایران تحقیر و به سخن دیگر ملیت و هویت ملی در مقابل اسلام و هویت اسلامی کانون گفتمان مدرنیسم روشن فکران عصر پهلوی را تشکیل می داد.(بشیریه،۱۳۸۳: ۱۲۰و۱۲۴) در این دوره گفتمان سیاسی و فرهنگی تازه ای شکل گرفت که هویت ملی بخشیدن به ایرانیان و پایه ایدئولوژیکی برای دولت بود. گذشته پرافتخار در دوران پیش از اسلام قرار داشت و در دوران اسلامی نیز آنچه در ایران ناب دانسته می شد، از علم و فرهنگ و هنر و ادبیات و نمایندگان شان، مایه سرافرازی بود و از آن گذشته پرافتخار بود و هر چه ناخوشایند شمرده می شد تمامی فقر و نکبت و واپس ماندگی و نمودهای بد فرهنگی و اجتماعی یك سره برخاسته از چیرگی

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

عرب و اسلام شمرده می شد. (همان، ۱۲۲)ازمولفه های ناسیونالیسم دوره محمدرضاشاه وطن است که در پیشامدرن بیشتر در تطابق با جغرافیای محلی و ناحیه ای بود که یك گروه انسان بر بنیاد اشتراکات آیینی و فرهنگی و یا اقتصادی گردهم آمده بود. در این جغرافیا، انسان به قیافه و رفتارهای افراد اطراف خود عادت می کرد. صرف بودن در یك زیست بوم خاص، نوعی حس تعلق و نوعی احساس مالکیت به آن را در میان ساکنان برمی انگیزد که می تواند دنبالهٔ احساس فرد نسبت به پناهگاه و ملك شخصی اش تلقی شود.(بشیریه ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۸) ناسیونالیسم مفهوم طبیعی وطن را دچار دگرگون و آن را شکلی دیگر بخشید. جغرافیای طبیعی وطن تبدیل به جغرافیایی سیاسی شده و جغرافیای سیاسی نوین تمامی وطن های محلی را در خود حل گردانید و وطنی واحد ایجاد نمود تا افراد و کسان داخل در آن، خود را به آن منتسب بدارند . شاهنامه فردوسی نشان می دهد یک نوع دلبستگی به وطن به نام ایران بوده و به نوعی یک خودآگاهی تاریخی در مورد ایران و ا یرانی بودن و احساس تعلق به آن وجود داشته است (به نقل ازثاقب فر، ۱۳۷۷: ۵۱-۵۷). در داستان کیخسرو از بوم ایران سخن گفته می شود :همه بوم ایران سراسر بگشت / به آباد و ویرانی اندرگذشت ، یا هنگامی که هومان نزد رستم می آید از او می خواهد که : کنون گر بگوئی مرا نام خویش / برو بوم وپیوند و آرام خویش، در واقع پاسخ رستم نشانگر تعلق او به یک بوم به نام ایران است. (فردوسی، ۱۳۷۰: ۲۹۴-۲۹۵)وطن در مفهوم جدید گفتمان های مختلف تاریخی، جغرافیایی و اخلاقی را فعال می کرد تا وجودش را ثبات بخشید . نظام های آموزشی مدرن که در اختیار دولت مدرن قرار داشتند با به کارگیری گفتمان های فوق به شناساندن وطن پرداختند. بزرگترین وظیفه آن، آموزش میهن پرستی جدید، ورای محدودیت های به رسمیت شناخته شده از سوی افراد تحت تعلیمش بوده است. دراین نظام های آموزشی تکلیف مدرسه تنها شامل احساسات ملی و میهنی نبود، بلکه ملتی که به واسطه مکان، فرهنگ، زبان و تقسیم بندی اجتماعی دائمی طبقه و ثروت متفرق را متحد می ساخت . یادگیری خواندن و نوشتن متضمن تکرار همیشگی آموزه های ملی و مدنی به صورت سؤال و جواب بود که طی آن وجود کودك از تمامی تکلیفی که از او انتظار می‌رفت، اشباع می شد. از دفاع از کشور گرفته تا پرداختن مالیات ها کار واطلاعات از قانون (همان،۱۱۵)و این در واقع خصلت اساسی ایدئولوژی ناسیونالیسم بود که با دراختیار گرفتن ابزارهای قدرت، به تبلیغ آموزه های خود می پرداخت و از کسان داخل در وطن ، هم وطن و شهروند می ساخت. می بایست تسلیم بدون قید و شرط آموزه های این ایدئولوژی باشند به گونه ای که تخطی از آن شدیدترین مجازات ها را در پی داشت. ارتداد دینی جای خود را به ارتداد وطنی داد و حذف مرتد وطنی جایگزین حذف مرتد دینی گردید. ازدیگر مولفه ها دراین زمان زبان است که ناسیونالیسم

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

به آن تکیه دارد .هابز باوم این مسأله را بدین شکل مطرح کرده که، به هرحال مردمی که در کنار یك دیگر زندگی می کنند و به زبان سخن می گویند که برای هر دوطرف قابل فهم است، هویت خود را براساس این زبان تعریف کرده و اعضای جوامع دیگر را به عنوان کسان می شناسند که به زبان های دیگری سخن می گویند یا کسانی که حداقل به زبان آنها سخن نمی گویند، اما مسأله این است که آیا چنین مرزهای زبانی قادر هستند تا ملیت های اجتماعی جداگانه را نه به عنوان گروه هایی که در درك زبان یك دیگر مسئله دارند، بلکه به مثابه ملیت ها یا ملیت های بالقوه متمایز سازند؟ (هابز باوم، ۱۳۸۲: ۷۲)در واقع زبان های ملی به هیچ وجه با آنچه اسطوره شناسی ملی گرایان بنیادهای ازلی فرهنگ ملی و خاستگاه ذهن می خواند، خوانایی ندارند.(همان، ۷۲-۷۴)آنچه یك زبان را زبان ملی می سازد، مسأله گزینش آن به عنوان زبان ملی است ، پس از این گزینش که به صورت زبان استاندارد در می آید، مسأله املاء و دستور زبان و افزودن عناصر نوین به واژگان زبان پیش می آید و یا آنچه هابزباوم ملی گرایی واژه شناختی می نامد. (هابز باوم، ۱۳۸۲: ۷۵)زبان ملی به عنوان یکی از عوامل انسجام بخش ناسیونالیسم یك ابداع نوین است .زبان فارسی به عنوان زبان ادبی و اداری همواره در ایران رسمیت داشته و انتخاب آن از سوی نخبگانی خاص یا حاکمیتی ویژه نبود. رکن اساسی ملیت بی شك زبان به عنوان نیرویی انسجام بخش نقش ویژه ای در تکوین و بالندگی هویت ملی دارد. با این حال بین صاحب نظران ناسیونالیسم در مورد نقش زبان در هویت سازی به عنوان عامل اصلی یا عامل ثانوی اختلاف نظر وجود دارد . (همان،۷۵) درگفتمان ناسیونالیسم رمانتیك ایرانی، در کنار مؤلّفه های عمده ای چون نژاد و تاریخ باستانی، تأکید گزافی بر زبان فارسی وجود داشت. این گفتمان که به دنبال هویت ایرانی ناب بود با هرآن چه به نظر آنها غیرایرانی و بیگانه محسوب می شد سر ستیز داشت. آنها ضمن اینکه زبان و ادب فارسی را از ارکان و گاه تنها رکن ایجاد و تداوم هویت ایرانی می دانستند بر آن بودند که آن را از ناخالصی هایی که در آن راه یافته بود بپیرایند.(آدمیت، ۱۳۳۶: ۲۵۹) در آستانهٔ قدرت گیری دولت پهلوی بسیاری از کانون های روشنفکری چون کاوه و آینده بر گسترش زبان فارسی به عنوان عامل بقا و تقویت هویت ملی تأکید می کردند .(ذکاء الملک،۱۳۸۹: ۵) با تشکیل فرهنگستان زبان در سال ۱۳۱۴ برنامهٔ منسجمی برای سره نویسی و جایگزینی واژه های فارسی به جای واژه های بیگانه آغاز شد که به علت افراط کاری با واکنش جمعی از ادبا مواجه گردید. احمد کسروی به عنوان یکی از برجسته ترین مورخان ناسیونالیست در موارد متعددی خواهان آن بود که زبان ها و گویش های غیرفارسی به علت آنکه باعث تفرقه و پراکندگی ایرانیان است از میان رود و همگی ایرانیان دارای یك زبان [فارسی] باشند. (کسروی،۱۳۵۵: ۵۷)وی از بین تمامی



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

شاعران فارسی زبان تنها به فردوسی اظهار علاقه می کند که با فارسی سره بنیان هویت ملی ایرانیان را از اضمحلال نجات داده است . به دنبال این هدف است که اکثر آثار خود از جمله تاریخ مشروطه را به زبان سره نگاشته است. دولت پهلوی که خود را یك دولت ملی عنوان می کرد خواهان آن بود که آگاهی ملی و احساس تعلق به ملت براساس روایت خاص خود را در بین همة اقشار گسترش دهد. در این زمان یك این همانی میان خواست دولتی و نظام تولید دانش به ویژه در زمینة تاریخ نگاری شکل گرفت. در این دوران دو طیف از مورخان در عرصة تاریخ نگاری ناسیونالیستی فعالیت داشتند. گروه اول که می توان آنها را تاریخ نگاران قلم به مزد یا درباری عنوان کرد که چندان بهره و مایه ای از تاریخ نگاری نداشتند اما در راستای اهداف دولت به نوشتن تاریخ می پرداختند. گروه دوم که به لحاظ اعتبار علمی از موقعیت برجسته ای برخوردار بودند و افراد آکادمیك محسوب می شدند، با این حال در بسیاری موارد هر دو گروه گرایش های مشابهی در نگارش تاریخ نگاری ناسیونالیستی داشتند. کسانی چون احمد کسروی، حسن پیرنیا و ابراهیم پورداوود جزو چنین کسانی بودند. پژوهش های کسروی سرشار از ملی گرایی است. آثار کسروی در راستای اثبات استقلال سیاسی و فرهنگی ایران در دوران های تاریخی به نگارش در آمده است. کسروی در کتاب «شیخ صفی و تبارش» زمینه را برای ثابت کردن دیدگاه های ملی گرایانه خود و روشنفکران فراهم می کند. (فصیحی، ۱۳۷۳: ۱۷۹) رویکرد باستان گرایی در پی آن است ، تا با احیا و تجدید حیات باورها، نمادها و ارزش های کهن، به بازآفرینی هویت ملی در چهارچوب اصول مبانی فرهنگ کهن مبادرت ورزد . در وام گیری از فرهنگ کهن، همه اجزا و عناصر سازنده فرهنگ قدیمی از ارزش یکسان برخوردار نیستند. ناسیونالیسم در ایران پس از جنگ جهانی اول خصلت هژمونیك یافته و ناسیونالیسم ملت ایران و هویت ملی ایرانی را در معنای جدیدش آفرید. سه کانون مهم که در تلاشِ نوسازی مفهوم ملت و تأسیس ملیت جدید ایرانی شامل کانون اول مجله کاوه در برلین، کانون دوم مجله ایرانشهر در برلین و کانون سوم مجله آینده در تهران بودند .مجله کاوه دو دوره انتشار را پشت سرگذاشت، در دوره نخست، بیشتر جنبه سیاسی و تبلیغی داشت و به شکل یك روزنامه سیاسی تأسیس شدو هدف آن حمایت از ایرانیانی بود که با دولت امپراطوری روس درحال جنگ بودند. مجله کاوه در دوره دوم بیشتر به هویت ایرانی می‌پردازد. گردانندگان کاوه در دوره دوم برای تأسیس مفهوم جدید ملیت ایرانی عمدتاً بر خصیصه‌های فرهنگی نظر داشتند.

روزنامه کاوه راه و رسم خود را کاوه آهنگر قرار می دهد و با توسل به این اسم مبارك، ایران پاك و مقدس، ایران نامدار و نجیب را مخاطب می سازد. درفش کاویانی شاهکار قرون عزت ایرانی خوانده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

می‌شد درفشی که نام آن هر ایرانی را یاد شکوه باستانی و غرور ملی خود آورده، روح زنده و ذلت ناپذیر ایران را به خاطره ها می آورد. از نظر کاوه ایرانی خود را باید فرزند پدرانی بداند و متعلق به پیشینه ای تاریخی که چهره های نامدار آن داریوش واردشیر و کوروش هستند و نه دیگران. گردانندگان کاوه معتقد بودند که ما یك ملت اصیل و نجیب هستیم که احفاد همان اجداد باستانی ایم و از طبقه جوان ، آینده ایران می خواست عادات و آداب ملی قدیم نیاکان خود را احیا کنند. (اکبری،۱۳۸۴: ۱۵۲و۱۵۹) رویکرد باستان گرا محدود به کاوه و گردانندگان آن نمی شد و دیگران نیز اشتراکات فراوانی با کاوه داشتند . کانون دوم یعنی مجله ایرانشهر که در برلین منتشر می شد از مجموع ۲۳۶ مقاله سی مقاله را به ایران پیش از اسلام اختصاص داده بود. (آبراهامیان،۱۳۸۳: ۱۵۳)مسأله دیگر عرب ستیزی بود در یکی از مقالات، تصویری از قبائل عرب را در حال غارت و تجاوز و قتل عام مردم متمدن زرتشتی ایران باستان نشان می داد. (همان،۱۵۴) ایرانشهر معتقد به زنده کردن روح ملی یا ملیت ایرانی است و این حس ملیت باید به وسیله اظهار علاقه و محبت و برتری دادن به نژاد ایرانی، به آب و خاك ایران، به زبان و دین و آداب وشعایر ملی اظهار شود. (اکبری،۱۳۸۴: ۱۶۲) کانون سوم یعنی مجله آینده، در شماره نخست خود، تاریخ چند هزار ساله مواریث باستانی ایران و نیزگنجینه گهربار ادب فارسی را مایه شرافت وافتخار ملت ایران می دانست . (ملایی توانی،۱۳۸۱: ۱۲۸) بر لزوم ایجاد دولت مرکزی و هویت ملی واحد تأکید داشت. مجله آینده به تحقیقات تاریخی نیز توجه داشت و احمد کسروی آن را اداره می کرد. وی این پژوهش ها را با مبحث پیشینه خوزستان آغاز کرد و با گفتارهایی در باب اسامی شهرهای ایران با رویکرد جغرافیایی تاریخی ادامه داد .سپس پژوهش های جنجالی کسروی با مقاله نژاد و تبار صفویه آغاز شد و هدف او از این نوشتارها، تکوین وحدت و هویت ملی جدید بود . از نظر کسروی تاریخ برای یك توده همچون ریشه است برای یك درخت. او از کسانی که از فراگیری و فهم تاریخ سرزمین خود سرپیچیده اند از عمق جان شکوه می کند. همچنین به همه کسانی که تاریخ کیش خود را به تاریخ کشورشان مقدم داشته اند می تازد. (ملایی توانی،۱۳۹۵: ۱۴۴و۱۴۷)این سه کانون عمده در آفرینش گفتمان مسلط ناسیونالیسم در دوره رضاشاه پهلوی نقش اساسی را ایفا کردند. گفتمان ناسیونالیسمِ این مقطع در انطباق با افکار و ایده های این سه کانون بود و قدرت سیاسی با اتکا براین گفتمان، پروژه ملت سازی را پیش می‌برد. گفتمان مزبور را می‌توان از میان انبوهی از اقدامات، عملکردها، برنامه ها، خطابه های سیاسی، ژانرهای ادبی، متون تاریخ نگارانه، مطالب روزنامه‌ها، متون درسی، نوشتارهای نخبگان، نمادها، سمبل ها و ... به تصویرکشید.

ناسیونالیسم دوره محمدرضاشاه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

با ورود نیروهای متجاوز متفقین به ایران و متعاقب آن اشغال بخش هایی ازکشور درشهریور ۱۳۲۰ سایه ای از بی نظمی، ناامنی، رعب وحشت وچپاول بر پیکره جامعه حاکم گردید. به دلیل فقدان دستگاه بروکراسی منسجم و کارآمد، جامعه در بحرانی فرو غلطیدکه تداوم حکومت پهلوی بسیار نامحتمل رسید. اقتصاد به نظر می کشور به شدت از هم پاشیده شده بود. بگونه ای که با غارت منابع غذایی از سوی دولتهای متجاوز، جامعه با قحطی وکمبود شدید مواد غذایی به خصوص اقلام پرمصرف همچون قند، شکر، روغن و به خصوص نان مواجهه شده بود و زمینه را برای شکل که برای گیری آشوب های متعددی نان در تهران و سایر استان ها آغاز شده بود، فراهم آورد. در بسیاری از های پرجمعیت استان کشور مثل کرمانشاه، شیراز، تبریز و همدان کمبود مواد غذایی، موجب ناامنی و راهزنی روزافزونگردیده بود و هر روز خشم و انزجار مردم افزون می گردید (عظیمی،۱۳۷۲: ۶۲) ناسیونالیسم دوره محمدرضاشاه به تدریج تبدیل به ایدئولوژی غالب و محور اصلی کنش سیاسی شد عناصر محوری ایدئولوژی ناسیونالیستی شامل وحدت و یگانگی ملی، باستان گرایی، دلبستگی به وطن، تداوم سلطنت وموقعیت محوری شاه بود. (اشرف نظری،۱۳۸۶: ۱۷۶).ایدئولوژی ناسیونالیستی که محمدرضاشاه به دنبال ترویج آن بود درغالب چندین انگاره از قبیل تصویرسازی شاهانه از عقل کل یعنی شاه، ترویج حس وطن پرستی و میهن دوستی، تقویت و القاء آموزه های باستانی وگذشته با شکوه ایرانیان و تکریم از مفاخر و بزرگان ایران جهت الگوگیری برای دستیابی به آینده ای بهتر خالصه می شود. با تجزیه و تحلیل کتابهای درسی و سخنان محمدرضا شاه که مناسب های مختلف ایرادگردیده است می توان به اهمیت این موضوع در سیاست گذاری آن رژیم پی برد.

## ایدئولوژی ناسیونالیستی

ناسیونالیسم به وحدت در جامعه تلاش می کرد واین نوع ناسیونالیسم وحدت محور می کوشید هویت های اولیه چون هویت خانوادگی، ایلی- قبیله ای در چارچوب ملی باشدو نوعی یگانگی ملی محقق شود که در پرتو آن تنش در مبانی هویتی اصلاح شود. (Amuzegar 1991 :140 ) از آنجاکه محمدرضا و پدرش ازحربه ناسیونالیسم، برای ضربه زدن به اسلام وچپاول هرچه بیشتر مردم سود می بردند، مردم به شدت، به اعمال و رفتار آنان اعتراض می کردند. تا آنجاکه ادامه این اعتراض ها به پیروزی انقلاب اسلامی و فرو پاشی نظام شاهنشاهی و از میان رفتن اقدامات ناسیونالیستی آنان انجامید.(۱۵۶)شاه به صورت مداوم دوران باستان را در ابعاد مختلف به عنوان عالی ترین و باشکوه ترین دوران تمدن بشری یاد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

می کرد.به همین منظور او در تاریخ ۲۵فروردین ۱۳۲۴دستور داد تا همه ساله دانش آموزان دانشسراها با استفاده از تعطیلات نوروز به نقاط مختلف کشور سفرکنند. قصد شاه از این کار، آشنایی دانش آموزان با آثار ملی، باستانی و همچنین شکل گیری وحدت ملی درکشور بوده است.( جندی شاپور، ۱۳۵۰: ۸۵) کتاب محتوای های درسی این دوره نیزگویای توجه ویژه رژیم پهلوی به ایران باستان که از مهمترین آیین باستانی همچون نوروز و جشن مهرگان است که جشن های ایرانیان بوده است.( ایمن و دیگران، ۱۳۴۳: ۸) محمدرضا پهلوی نیز سعی می کرد در جشن های ملی و باستانی حضور پیدا نماید. برای نمونه او در ۱۶ مهر ۱۳۲۵ که مراسم جشن مهرگان برگزار شد حضور یافت و جوایزی را به برخی از شاگردان ممتار اهدا نمود.( جندی شاپور، ۱۳۵۰: ۸۸) حکومت با پیوند زدن خود به دوران باستان تداوم خود را القاء می کرد. تقویت شاه دوستی و وفاداری به حاکم مملکت از دیگر انگاره های ناسیونالیستی شاه وتلاش برای تقویت شاه دوستی بود.تحلیل محتوای گونه های درسی این دوره، نشان دهنده تبلیغ مستقیم نقش و جایگاه حکومت بوده است.کتاب ها سازماندهی شده بودندکه در صفحات آغازین ها کتاب آن تصاویر شاه، همسر و فرزندان وی نقش بسته است. اقدامات محمدرضا شاه در جهت پیشرفت و سعادت وطن و قدردانی از وی مشهود است( ایمن و دیگران، ۱۳۴۳: ۵)علاوه براین در متون درسی این دوره، تصاویری از پادشاهان با رأفت ترسیم و انعکاس آن به زمان حال تعمیم داده می شود. برای نمونه، درکتاب ادبیات فارسی که در آن تلاش سال چهارم دبستان، داستانی تحت عنوان باربد وجود داشت باربد برای نزدیکی به شاه و همچنین مهربانی و رأفت شاه نسبت به او نشان داده شده بود. ) انوری،۱۳۵۵: ۱۶۰)

مهین پرستی و تقویت حس خدمتگذاری به میهن از ایدئولوژی دوره محمدرضاشاه است که از طریق نهاد آموزش و پروش دنبال گردید.درکتاب های درسی، مضامین وطن درصد قابل توجهی از حجم مطالب را به خود اختصاص داده بود. در این مقوله می توان به اهدای خون در راه وطن یا فداکاری آرش کمانگیر در راه دفاع از سرحدات و ترسیم مرز بین خودی و غیرخودی یا دفاع سرسختانه آریوبرزن از تخت جمشید نمودی از شجاعت و از خودگذشتی در راه وطن رانشان داد. (اسماعیلی،۱۳۸۸: ۲۳) همچنین در کتاب فارسی پنجم دبستان به نقش رستم در داستان های شاهنامه اشاره می شد. در این کتاب درسی به دانش آموزان تلقین می شد که شاهنامه به عنوان معروف ترین حماسه جهان قلمدادگردیده است .رستم نیزشخصیتی بودکه پیوسته نگهبان میهن است و در راه خدمتگذاری به وطن از هیچ اقدام دریغ نمی کرد (انوری،۱۳۵۵: ۲۰۳) .)محمدرضا شاه نیز در سخنان خود دانش آموزان را به دفاع از وطن و فداکردن جان در راه وطن ترغیب می کرد و برضرورت تحکیم قوانین دینی، سنت ملی و زبان فارسی جهت جهت

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

پاسخگویی به نیازهای کشور تاکید می کرد. (جندی شاپور، ۱۳۵۰: ۱۲۵) نهاد آموزش و پرورش را به عنوان ابزاری موثر در جهت تقویت مشروعیت حکومت تلقی می کرد. چراکه با آموزش یکسان و متمرکز و مناسب با ایدئولوژی حکومت، نوجوانان و جوانان را مطابق با الگو و ایدئولوژی حکومت تربیت و هدایت می کرد. از طرف دیگر با استفاده از دانش آموختگان این مراکز در واقع سفیرانی پرورش دادکه در اشاعه و القای ایدئولوژی شاهنشاهی در سطح خانواده و جامعه موثر واقع شوند. دستگاه ایدئولوژیک رادیو بعد از شهریور ۱۳۲۰ به عنوان بازویی قدرتمند و ایدئولوژی ساز در خدمت اهداف و برنامه های اشغال های پهلوی دوم قرارگرفت رادیو تحت نظارت وکنترل مستقیم رژیم قرار داشت. محمدرضاشاه جانب گروههای رقیب، احساس خطر می کرد، تلاش خود را برای مشروعیت و مقبولیت مردمی از طریق این نهاد شدت بخشید. ایدئولوژی شاهنشاهی پهلوی از طریق برنامه های روزانه رادیوکه از ساعت ۳۰/۱۱صبح تا ۲ بعدظهر و برنامه های شبانه آن از ساعت ۵بعدظهر تا ۱۱ شب پخش می- گردید، به صورت مداوم تبلیغ می شد .(معاونت مدیریت اطلاع رسانی،۱۳۷۹: ۷) برنامه های بطورکلی پخش شده از رادیوگویای این مطلب هستند،که رادیو ابزاری در جهت تقویت حس شاه دوستی و وفاداری به او، ترویج و اشاعه زبان و ادبیات فارسی، زنده نگه داشتن موسیقی باستانی ایران، آموزش شهروندان، شکل دادن به وحدت ملی و وطن پرستی و نفرت از بیگانگان بوده است. حضور بیگانگان براثر اشغال ایران و تسلط آنان بر رادیو، شاه را مجاب کرده بود برای مقابله با بی اعتمادی مردم به حکومت، شبکه سراسری رادیو را به تمام شهرهای ایران گسترش دهد.( وزارت فرهنگ، ۱۳۷۹: ۲۳۴)همه روزه اشعار حماسی از شاهنامه فردوسی، قطعات دلپذیری از مثنوی مولوی، نمایشنامه های ادبی و وطنی، سخنرانی و وطن هایی با موضوعات خانواده، احترام به والدین برای القای حس وطن پرستی و وحدت ملی در قالب آرمانی نشان دادن حکومت مرکزی در اغلب شهرهای کشور پخش می گردید.( وزارت فرهنگ،۱۳۷۹: ۵۷۹) این موضوع آنقدر حائز اهمیت بودکه شبکه رادیویی تبریز و سایر مراکز استانها به جای آنکه باگفتارآغازگردند با ابیاتی از شاهنامه فردوسی و دیگر شعرای بزرگ ایران زمین شروع می شدند ( مختاری اصفهانی،۱۳۸۸: ۱۳۵) با توجه به زبان و گویش های گوناگون و با هدف تسهیل نفوذ ایدئولوژی حکومت در میان گروهای مختلف، ترویج زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان رسمی کشور، زبان فارسی مورد پالایش قرارگرفت و گویندگان رادیو تحت آموزش قرارگرفتند تا بتوانند وظایف خود راانجام دهند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام





[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

## نتیجه گیری

دردوره محمدرضاشاه ناسیونالیسم از ایران دوره باستان تعریف وتمجید شده و به بزرگنمایی سلسله های این دوره به ویژه هخامنشیان توجه گردید. از مولفه های جغرافیا، تاریخ باستان ونژاد برای پیشبرد ناسیونالیسم استفاده و درمورد اعراب باتحقیر یاد شده وتاریخ دوره ایران اسلامي رانادیده گرفته وارزشی برای آین دوره قائل نشدند. ملیت و هویت ملي در مقابل دین اسلام و هویت اسلامي ازمسائل قابل توجه روشن فکران دوره محمدرضاشاه بود.دراین دوره از ایران باستان با شکوه وعظمت یاد می شد وهویت ایرانی با کم توجهی به واقعیت های تاریخی ودین اسلام بازسازی گردید .برگزاری جشن های دوهزاروپانصد ساله و تغییر تقویم هجری به تقویم شاهنشاهی نمونه هایی ازاین تاریخ سازی دروغین محسوب می شد .عناصرمحوری ایدئولوژی ناسیونالیسم، وحدت و یگانگی ملی، باستان گرایی، دلبستگی به میهن، تداوم سلطنت وموقعیت محوری شاه بود..



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

## منابع ومآخذ


آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۶۴): مکتوبات، به کوشش محمدجعفر محجوب، (مهتران)، آلمان، مرد امروز،

آدمیت، فریدون(۱۳۳۶): اندیشه های میرزاآقاخان کرمانی، تهران

آقابخشی ،علی ومینو افشاری راد(۱۳۸۹): فرهنگ علوم سیاسی، تهران،آگاه، چ دوم، ج اول

اتکینسون، آر.اف ( ۱۳۷۸): فلسفه تاریخ، روش شناسي و تاريخ نگاری، ترجمه و تدوين حسينعلی ، فلسفه تاريخ، نگاهي به ديدگاه هاي رايج درفلسفه معاصر تاريخ، نوذری، تهران، طرح نو

اسميت، آنتوني . دي (۱۳۸۳ ):ناسيوناليسم: نظريه، ايدئولوژي، تاريخ . ترجمه منصور انصاري. تهران: انتشارات تمدن ايراني.

اکبری، محمدعلی (۱۳۷۹): کتاب تبارشناسی هویت جدید ایرانی ، انتشارات علمی و فرهنگی

ای .جی.هابز باوم(۱۳۸۲):ملت وملی گرایی پس از ۱۷۸۰، ترجمه جمشید احمدپور، نشرنیکا، تهران

بشيريه، حسين(۱۳۸۳): هويت، مليت و قوميت، به کوشش حميداحمدي، مؤسسه تحقيقات و توسعة علوم انساني، تهران

بنیاد فرهنگ ایران (۱۳۵۰):کارنامه بنیاد فرهنگ ایران سال کوروش کبیر وجشن های دوهز ار و پانصدساله بنیانگذاری شاهنشاهی ایران. تهران: بنیاد فرهنگ ایران

بوشه،راجر( ۱۳۸۵ ): نظريه هاي جباريت از افلاطون تا آرنت، ترجمه فريدون مجلسي، تهران، مروارید

بوشه،راجر(۱۳۸۵): نظريه هاي جباريت از افلاطون تا آرنت ، پیشین

بهار، ملک الشعرا (۱۳۸۸):تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران، ج اول

پور داود، ابراهیم(۲۵۳۵): فرهنگ ایران باستان، تهران،ج اول

پيرانسار( ۱۳۸۱ ): ايدئولوژي ها، کشمکش ها و قدرت، ترجمه مجيد شريف، تهران قصیده سرا

ثاقب فر، مرتضی(۱۳۷۷):شاهنامه فردوسي و فلسفه تاريخ ايران، نشر قطره، تهران

خسروي، کمال( ۱۳۸۳): نقد ايدئولوژي، تهران، اختران

زرین کوب ،عبدالحسین(۱۳۵۵)، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر

----------(۱۳۷۹): تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، تهران

ستاری، جلال (۱۳۸۷)، کاروان فرهنگ در فرنگ، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی

سیاست‌نامه ذکاءالملک(۱۳۸۹): مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی، به اهتمام ایرج افشار، هرمز همایون‌پور، کتاب روشن، تهران

صفت گل، منصور (۱۳۸۷)، گروه آموزشی تاریخ دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران

طائی، نجاح عطا(۱۳۹۶):،سیر اندیشه ملی گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ، ترجمه: عقیقی بخشایشی، تهران، مرکزچاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی

طرقی، علی محمد(۱۳۸۲): تجدد بومي و باز انديشي تاريخ، تهران، نشر تاريخ ايران

فالاچی، اوریانا(۱۳۵۷):مصاحبه با تاریخ، ترجمه:پیروزملکی، چ دوم، تهران: امیرکبیر.

فردوسي، ابوالقاسم (۱۳۷۰):نامه نامور گزيده شاهنامه فردوسي، محمدعلي اسلامي ندوشن، انتشارات سخن





[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

فصیحی،سیمین(۱۳۷۳): جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در عصر پهلوی اول، مشهد، نوند
کاتم، ریچارد(۱۳۷۱): ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، تهران، نشرگفتار
کسروی،احمد(۱۳۵۵): زندگانی من، تهران، نشر و پخش کتاب
ملایی توانی،علیرضا (۱۳۹۵): گفتمان رسمی تاریخ‌نگاری دوره پهلوی پیرامون رضاشاه، تهران، پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
میرزای قمی،جلال الدین (۱۳۸۵)، نامۀ خسروان، طهران، چاپ سنگی، ج اول
ام رینگر ،مونیکا(۱۳۸۱): آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس
وزکریملي، اوموت (۱۳۸۳ ):نظریه هاي ناسیونالیسم. ترجمه محمدعلي قاسمي . تهران: انتشارات تمدن ايراني
وینسنت،اندرو (۱۳۸۹):ایدئولوژي هاي مدرن سیاسي،ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس
هرولد،جان(۱۳۷۷):مرگ گذشته،ترجمه عباس امانت،تهران،اختران
یرواند،آبراهامیان(۱۳۸۳)،ایران بین دوانقلاب،ترجمه ي احمد گل محمدي و حمد ابراهیم فتاحي ، تهران، نشر ني.

## مقالات

الهی تبار،علی والویری،محسن،۱۳۹۵:تحلیل ناکامی وبحران سازی ملی گرایی عربی وبازتاب های کنونی آن در جهان اسلام،دوفصلنامه علمی -پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام،سال چهارم،شماره هشتم،پاییز وزمستان،صص۳۳-۵۰
اشرف نظری،علی (۱۳۸۶):ناسیونالیسم وهویت ایرانی،مطالعه موردی دوره پهلوی اول،پژوهش حقوق عمومی،مقاله پنجم،دوره نهم،شماره بیست ودوم
زیباکلام،صادق و صبوحی ،مهدی بهرامی ،علی و رنجبر کهن،حسن(۱۳۹۰): نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران(۱۳۳۲ - ۱۳۵۷)دانشنامه حقوق وسیاست،شماره شانزدهم،پاییزوزمستان،
ملایي توانی،علیرضا(۱۳۸۱): مجله آینده و تاریخ نگاري مبتني بر هویت ملي، فصلنامه مطالعات ملي، سال چهارم
مینویی،مجتبی (۱۳۴۴): «اولین کاروان معرفت» چهار بخش از مرداد ۱۳۳۲ تا آبان ۱۳۳۲، شماره ۶۲ تا ۶۵،
محمدطرفداری،علی (۱۳۸۹)، «در جستجوی خدمت و خیانت در تاریخ، بررسی تاثیر ناسیونالیسم بر تاریخ نگاری ایران در دوره قاجاریه تا پایان حکومت پهلوی آن» تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال اول، سرشمارۀ اول،
محمودی،سیدعلی (۱۳۹۴):ناسیونالیسم واسلام درکشاکش سازگاري وتناقض تحلیل وارزیابي رابطۀ ناسیونالیسم واسلام درآراء علي شریعتي، مجله جامعه شناسي ایران، دوره شانزدهم، شمارۀ ۳ ،پائیز
مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳): «ملي گرایي، تمرکز و فرهنگ در غروب قاجاریه و طلوع پهلـوي » ایران نامه، سال ۱۲ ،شماره ۳ ،تابستان

- Smith, Anthony (1998). Nationalism and Modernism. London: Routledge



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]

- Halpern, Manfred (1970). The Politics of Social Change in the Middle East and North Africa. Princeton: Princeton u.p
- Kohn, Hans (1995). The Roots of Nationalism. In: Nationalism; Meaning and History. Canada:D. Van Nostrand co.
- Amuzgar, Gahangir (1991). The Dynamics of the Iranian Revolution. New York: State University of New YorK
- Ansari, Ali. M (2003). Modern Iran Since 1921: The Pahlavi's and After. London: Longman

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۵

**به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:**

زنجانیه، الهه؛ قره‌داغی، معصومه؛ صمدی‌وند، منوچهر؛ صمدی حامد، رضا (۱٤۰۰)، «مولفه‌ها وارکان ناسیونالیسم دردوره محمدرضاشاه» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۱، ش۱، بهار ۱٤۰۰، صص ۱۱۵-۱۰۱.



[ Downloaded from priw.ir on 2026-11-09 ]
[ DOR: 20.1001.1.23222980.1400.11.1.11.9 ]